

علم أصول الفقه

٢٥-٦-٩٢ حجية الظن في نفسه ٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حجية الظن في نفسه

- به نظر ما منطقی این بود که شیخ - رضوان الله تعالی علیه - بحثی را که اول و آخر مبحث ظن مطرح کرده است، هر دو را با هم در یک جا جمع و ذیل عنوان «حجية الظن في نفسه» بحث می کرد.

حجیة الظن فی نفسه

- بعد از او نیز همه همین کار را کردند مگر بعضی مثل شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - در کتاب دروس فی علم الأصول؛ البته او در درس خارجش ترتیب کفایه را دارد و چون کفایه بر اساس ترتیب رسائل است، به طور طبیعی او نیز در درس خارجش همان ترتیب رسائل را دارد.

حجية الظن في نفسه

- سؤال این است که **ظن** یعنی حالتی که در آن احتمال خلاف (عدم مطابقت) کمتر از احتمال وفاق (مطابقت) است، **فی حد نفسه** یعنی با قطع نظر از منشأ پیدایش آن **چه حکمی دارد؟**

حجية الظن في نفسه

- دو نظر در بین علمای اصول وجود دارد:
- نظر غالب می گوید حجت نیست
- و عده‌ای از اصولی‌ها با بیان‌های مختلف می گویند حجت است.

حجية الظن في نفسه

- شيخ انصاری - رضوان الله تعالى عليه - در گروه اول قرار دارد.
- تعبیر وی این است که تعبد به ظن حرام است و مقصودش از تعبد به ظن این است که ظن به یک حکم شرعی را معیار عمل خودمان قرار دهیم.

حجية الظن في نفسه

- ادلة شيخ برای حرمت عمل به ظن
- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - برای حرمت تعبد به ظن از قرآن، سنت، اجماع و عقل دلیل می آورد.

حجية الظن في نفسه

- و قبل الخوض في ذلك لا بد من تأسيس الأصل الذي يكون عليه المعول عند عدم الدليل على وقوع التعبد بغير العلم مطلقاً أو في الجملة فنقول:
- **التعبد بالظن الذي لم يدل دليل على التعبد به محرم بالأدلة الأربعة.**

حجية الظن في نفسه

- و يكفي من الكتاب قوله تعالى:
- **قُلْ آيَةُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ آيَاتِ الْبَشَرِ** *
قُلْ آيَةُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ آيَاتِ الْبَشَرِ
- دل على أن ما ليس بإذن من الله من إسناد الحكم إلى الشارع فهو افتراء

• يونس، ٥٩

حجیة الظن فی نفسه

- از قرآن به آیه ذیل استدلال می‌کند:
- «قل الله اذن لكم أم على الله تفترون» (بگوئید آیا خداوند به شما اذن داده است یا به خدا افترا می‌زنید) یونس، ۵۹
- ایشان می‌گویند این آیه دلالت می‌کند که آنچه به اذن الله نیست، افترا محسوب می‌شود. بنابراین اگر نسبت به حکم شرعی ظن داشته باشیم و نمی‌دانیم که آیا شارع به ما اذن داده است که به آن عمل کنیم یا نه، عمل ما به این ظن افترا بستن بر شارع به شمار می‌آید؛ چون از قبیل «أذن لكم» نیست و به تعبیری اذن الهی را احراز نکرده‌ایم و معلوم است که افترا عملی حرام است.

حجية الظن في نفسه

- و من السنة قوله صلى الله عليه و آله في عداد القضاة من أهل النار:
و رجل قضى بالحق و هو لا يعلم

حجية الظن في نفسه

- از سنت به این روایت تمسک می کنند:
- ۳۳۱۰۵ - ۶ - «۵» وَ عَنْهُمْ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) عَنْ أَحْمَدَ (بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ **رَفَعَهُ** عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقِضَاةُ أَرْبَعَةٌ ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ - رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - وَ رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - **وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ *****
- وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ مَرْسَلًا نَحْوَهُ ***
- ******* حر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، ص ۲۲
- ******* مفید البغدادی، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، ص ۷۲۲.

حجية الظن في نفسه

- در این روایت قضات به چهار دسته تقسیم شده‌اند:
- ۱- آن که به ناحق حکم می‌کند و می‌داند حکمش ناحق است.
- ۲- آن که به ناحق حکم می‌کند ولی نمی‌داند که حکمش ناحق است.
- ۳- آن که به حق (مطابق با واقع) حکم می‌کند در حالی که خودش نمی‌داند که حکمش حق است.
- ۴- آن که به حق حکم می‌کند و خودش می‌داند که این حکم حق است.
- از این چهار حالت فقط حالت اخیر بهشت را در پی دارد.

حجية الظن في نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - به فقره «رجل قضى بالحق و هو لا يعلم» استناد می کند.
- طبق این بخش از روایت کسی که به حق قضاوت کند؛ در حالی که نمی داند آنچه که حکم می کند حق است یا نه، از اهل نار خواهد بود.
- ایشان می فرماید کسی که به چیزی ظن دارد، هرچند آن مظنون مطابق با واقع باشد، در زمرة همین قسم قرار می گیرد؛ چون او نیز نسبت به واقع علم ندارد. بنابراین کاری که انجام می دهد حرام است.

حجية الظن في نفسه

- و من الإجماع ما ادعاه الفريد البهبهاني في بعض رسائله من كون
عدم الجواز بديها عند العوام فضلا عن العلماء

حجية الظن في نفسه

- دليل سوم او اجماع است.
- وی از وحید بهبهانی - رضوان الله تعالى عليه - نقل می کند اجماع داریم که ظن بما هو ظن حجت نیست یا به تعبیر شیخ - رضوان الله تعالى عليه - تعبد به آن حرام است

حجية الظن في نفسه

- و من العقل تقبيح العقلاء من يتكلف من قبل مولاه بما لا يعلم بوروده عن المولى ولو كان عن جهل مع التقصير.

حجية الظن في نفسه

- و بالأخره به عنوان دليل عقلي می فرماید:
- عقلا کسی که علم ندارد مولا چنین تکلیفی را دارد یا نه و فقط احتمال تکلیف می دهد و در عین حال وقتی احتمال وجوب می دهد، آن کار را انجام می دهد یا وقتی احتمال حرمت می دهد، آن عمل را ترک می کند، تقبیح می کنند.

حجية الظن في نفسه

• نعم قد يتوهم متوهم أن الاحتياط من هذا القبيل.

• و هو غلط واضح إذ فرق بين الالتزام بشيء من قبل المولى على أنه منه مع عدم العلم بأنه منه و بين الالتزام بإتيانه لاحتمال كونه منه أو رجاء كونه منه و شتان ما بينهما لأن العقل مستقل بقبح الأول و حسن الثاني.

حجية الظن في نفسه

- او ذيل اين دليل مي فرمايد اين بحث به بحث احتياط ارتباط ندارد؛ يعنى اين دليل عقلا به معنای نفی حسن احتياط نيست. پس اگر کسی احتمال تکليف داد و از باب احتياط آن تکليف را انجام داد يا ترک کرد، کار قبيحی انجام نداده است.

حجية الظن في نفسه

- در بحث احتیاط عبد کاری را انجام می دهد از این باب که احتمال دارد تکلیف به آن تعلق گرفته باشد در حالی که اینجا مقصود آن است که عبد احتمال می دهد تکلیفی وجود دارد، همین احتمال را کافی بداند برای اینکه بگوید قطعاً در اینجا تکلیف وجود دارد!

حجية الظن في نفسه

- والحاصل أن المحرم هو العمل بغير العلم متعبداً به و متديناً به.
- وأما العمل به من دون تعبد بمقتضاه فإن كان لرجاء إدراك الواقع فهو حسن ما لم يعارضه احتياط آخر أو لم يثبت من دليل آخر وجوب العمل على خلافه كما لو ظن الوجوب و اقتضى الاستصحاب الحرمة فإن الإتيان بالفعل محرم و إن لم يكن على وجه التعبد بوجوبه و التدين به.

حجية الظن في نفسه

- و إن لم يكن لرجاء إدراك الواقع فإن لزم منه طرح أصل دل الدليل على وجوب الأخذ به حتى يعلم خلافه كان محرماً أيضاً لأن فيه طرحاً للأصل الواجب العمل كما فيما ذكر من مثال كون الظن بالوجوب على خلاف استصحاب التحريم و إن لم يلزم منه ذلك جاز العمل كما لو ظن بوجوب ما تردد بين الحرمة و الوجوب فإن الالتزام بطرف الوجوب لا على أنه حكم الله المعين جائز لكن في تسمية هذا عملاً بالظن مسامحة و كذا في تسمية الأخذ به من باب الاحتياط.

حجية الظن في نفسه

- و بالجملة فالعمل بالظن إذا لم يصادف الاحتياط محرم إذا وقع على وجه التعبد به و التدين سواء استلزم طرح الأصل أو الدليل الموجود في مقابله أم لا و إذا وقع على غير وجه التعبد به فهو محرم إذا استلزم طرح ما يقابله من الأصول و الأدلة المعلوم وجوب العمل بها هذا.

حجية الظن في نفسه

- بررسی ادلة شیخ
- بعضی از این ادله در آثار بعد از شیخ - رضوان الله تعالی علیه - هم تکرار شده است. همه این ادله با اشکال مواجه هستند.

حجية الظن في نفسه

- ایشان به ظاهر آیه قرآن، ظاهر روایت به فرض اعتبار سندش، اجماع آن هم از نوع منقول و حکم عقلا تمسک کرده است که همه آنها جزء ادلة ظنیه محسوب می شوند.
-

حجية الظن في نفسه

- در حالی که
- اولاً فرض این است که ایشان هنوز حجیت ظاهر قرآن و روایت، خبر واحد، اجماع منقول و حکم عقلا، را ثابت نکرده است.
- ثانیاً بعضی از این ادله با قطع نظر از اشکال اول، اصلاً فی حد نفسه قابل تمسک نیستند.

حجية الظن في نفسه

- مثلاً روایتی که وی به آن تمسک کرده‌است، به دو سند نقل شده‌است. بنا بر یک سند مرفوعه و بر اساس نقل دیگر اصلاً فاقد سند و مرسله است؛ چون شیخ مفید - رضوان الله تعالی علیه - آن را بدون هیچ‌گونه سندی نقل کرده‌است.

حجية الظن في نفسه

- بنابراین این روایت به فرض اینکه حجیت خبر واحد را اثبات کرده باشیم، اصلاً در زمره اخبار حجت به شمار نمی آید؛ چون خبر واحد ثقه نیست.

حجية الظن في نفسه

- همچنین با فرض اعتبار سندی مثل اینکه روایت قطعی و متواتر باشد یا راویانش همه ثقه باشند، تمسک به آن روایت در اینجا غلط است؛ زیرا مورد روایت بحث قضاوت است؛ در حالی که بحث ما مقام افتا است.

حجية الظن في نفسه

- بحث روایت این است که قاضی برای صدور حکم چه شرایطی باید داشته باشد. به همین دلیل هم صاحب وسائل - رضوان الله تعالی علیه - این روایت را در ابواب صفات قاضی ذکر می کند.

حجية الظن في نفسه

- این روایت بر موضوعیت علم قاضی برای حکم قضایی دلالت دارد؛ یعنی قاضی وقتی می‌خواهد حکم کند، لازم است یقین داشته باشد و اگر یقین نداشت، نمی‌تواند حکم قضایی صادر کند در حالی که ما الآن بحث می‌کنیم که فقیه یا مجتهد به استناد چه دلیلی می‌تواند بگوید فلان حکم، حکم خدا - تبارک و تعالی - است.

حجية الظن في نفسه

- به این مقام افتاء می‌گوییم که غیر از مقام قضاوت است.
- ممکن است در مقام قضاوت شارع شرایطی را شرط کند که در مقام افتاء آن شرایط معتبر نباشد یا بالعکس؛
- مثلاً در قضا برای قضاوت بینه لازم داریم و خبر واحد حجت نیست در حالی که در مقام افتاء خبر واحد حجت است.

حجیة الظن فی نفسه

- بنابراین اگر با فرض اینکه روایت دلالت کند که ظن در مقام قضا حجت نیست، بخواهیم نتیجه بگیریم که پس ظن در مقام افتاء هم حجت نیست، قیاس کرده‌ایم؛ همان کاری که خود شیخ - رضوان الله تعالی علیه - به شدت با آن مخالفت می‌کند.

حجية الظن في نفسه

- اینکه قضاوت یکی از شئون مجتهد است، درست است و اینکه یکی از مستندات قضاوت مجتهد می‌تواند، فتوای او باشد؛ تا حدی درست است ولی این نکات ربطی به بحث ما ندارد؛ چون دو مقام افتا و قضا لزوماً احکام یکسانی ندارند.

حجية الظن في نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - در رسائل به تبع تستری - رضوان الله تعالى عليه - صاحب کتاب کشف القناع عن وجه الاجماع در نهایت اجماع به خصوص اجماع منقول را نمی پذیرد در حالی که اینجا وی به یک اجماع منقول تمسک می کند که وحید بهبهانی - رضوان الله تعالى عليه - تحقق آن را ادعا کرده است.
- به فرض که اجماع منقول حجت باشد، جزء ظنون خاصه است و باید حجیتش در رتبه سابق بر این بحث ما ثابت شده باشد در حالی که هنوز حجیت هیچ یک از ظنون خاصه بررسی و اثبات نشده اند.

حجية الظن في نفسه

- در این بحث شیخ - رضوان الله تعالى عليه - می فرماید حکم عقل؛ اما می بینیم به حکم عقلا تمسک می کند. ما در فلسفه علم اصول گفتیم که بین موارد حکم عقل و حکم عقلا تطابق نیست؛ یعنی اینکه عقلا به چیزی حکم می کنند، معنایش این نیست که حتماً عقل هم چنین حکمی دارد.

حجية الظن في نفسه

- گاهی منشأ حکم عقلا، حکم عقل است که در آنجا حکم عقل و عقلا یکی است.
- گاهی منشأش امور دیگری مانند ارتکازات عقلایی است که منشأ نوعی قضاوت‌های عقلایی می‌شود.
- حال در اینجا باید بینیم که آیا منشأ این حکم عقلایی که ایشان فرموده‌است، حکم عقل است که در این صورت در اصطلاح به آن حکم عقل می‌گوییم و دیگر حکم عقلا نمی‌گوییم یا نه منشأش حکم عقل نیست.